

تحلیلی بر مسیر سینمایی علیرضا معتمدی در آستانه نمایش فیلم اخیرش

معماری جهان شخصی و تکمیل آن در ایستگاه «دختر پری خانم»

سمیه خاتونی
گفت و گو



علیرضا معتمدی از بازیگری در دهه هفتاد تا فیلمسازی مؤلف در سال‌های اخیر، مسیری تدریجی اما هدفمند را در سینمای ایران طی کرده است؛ فیلمسازی که با آثاری چون «رضا» و «چرا گریه نمی‌کنی» نشان داده دغدغه‌اش نه قهرمان‌سازی کلاسیک که روایت شاعرانه و پست‌مدرن از انسان معاصر و روزمرگی‌های ملتهب اوست؛ سینمایی شخصی، جزئی‌نگر و نوگرا که میان مخاطب خاص و عام پل می‌زند. علیرضا معتمدی پیش از آنکه از سال ۱۳۹۶ و با فیلم «رضا» به‌طور جدی در کانون توجه قرار بگیرد و در سال ۱۴۰۱ با «چرا گریه نمی‌کنی» برای طیف گسترده‌تری از مخاطبان شناخته شود، سابقه‌ای طولانی در سینمای ایران داشته، سابقه‌ای که برخلاف تصور عمومی، محدود به کارگردانی‌های متأخر او نیست و ریشه‌های آن به میانه دهه هفتاد بازمی‌گردد. او از سال ۱۳۷۵ به‌عنوان بازیگر فعالیت خود را آغاز کرد و در ادامه، از سال ۱۳۸۴ به‌طور جدی وارد حوزه نویسندگی و فیلمنامه‌نویسی شد و در پروژه‌هایی چون «صحنه جرم»، «ورود ممنوع»، «روزهای اعتراض»، «آقای هفت‌رنگ» و «متل قو» قلم زد. به این شکل معتمدی پیش از آنکه به‌عنوان کارگردان مؤلف شناخته شود، مسیر خود را در حوزه‌های مختلف سینما تجربه و به تدریج زبان شخصی‌اش را شکل داد.

«رضا» نقطه عطف سینمای معتمدی

نقطه عطف کارنامه او بی‌تردید فیلم «رضا» در سال ۱۳۹۶ است؛ اثری که معتمدی در آن به‌طور هم‌زمان در مقام نویسنده، کارگردان و بازیگر ظاهر شد و عملاً کلیت جهان اثر خود را شکل داد. «رضا» برای معتمدی فیلمی تعیین‌کننده بود؛ فیلمی که بیش از آنکه در گیشه یا میان مخاطبان عام سروصدای کند، در میان هنرمندان و بدنه حرفه‌ای سینما دیده شد و به‌عنوان یک تجربه خاص و متفاوت مورد توجه قرار گرفت. این فیلم با رویکردی آشکار به سینمای مؤلف و هنری، جهانی شخصی و درونی را به تصویر می‌کشید؛ جهانی که حول شخصیت «رضا» شکل می‌گرفت و ساحت خصوصی و ذهنی او را با زبانی نزدیک، ملموس و در عین حال ساختار شکن روایت می‌کرد. استفاده از مؤلفه‌هایی از روایت‌گویی پست‌مدرن، شکستن الگوهای کلاسیک قصه‌پردازی و تکیه بر جزئیات روزمره، سبب شد «رضا» جایگاهی ویژه در میان مخاطبان خاص و محافل سینمایی پیدا کند و معتمدی را به‌عنوان فیلمساز صاحب نگاه معرفی کند، حتی اگر هنوز در سطح گسترده مخاطبان عام شناخته نشده بود. کیومرث پوراحمد، قابی خاطره‌انگیز و موثر

ادامه این مسیر را می‌توان در فیلم «چرا گریه نمی‌کنی» مشاهده کرد؛ فیلمی که در امتداد همان جهان‌بینی شخصی شکل گرفت، اما به‌واسطه تجربه پیشین کارگردان و اعتباری که از «رضا» به دست آمده بود، امکان حضور بازیگران شناخته‌شده‌تری را فراهم کرد. در شکل‌گیری نخستین تجربه‌های سینمایی معتمدی، نقش کیومرث پوراحمد، چه در مقام تهیه‌کننده اسمی و چه در قالب مشاور و همراه، اهمیتی قابل توجه دارد. نقل‌قول‌ها و خاطراتی که معتمدی از روزهای مشورت و همراهی با پوراحمد بیان کرده، حاکی از رابطه‌ای حرفه‌ای و در عین حال دوستانه است؛ تعاملی که می‌توان آن را از قاب‌های خاطره‌انگیز مناسبات

انسانی در سینمای ایران دانست. همین همراهی سبب شد او در نخستین گام‌ها بتواند با بازیگرانی چون افسر اسدی، رضا داوودنژاد، ستاره پسیانی و سحر دولت‌شاهی همکاری کند و اعتماد نسبی بدنه حرفه‌ای سینما را به دست آورد. «رضا» از منظر نقد نیز با بازخورد‌های مثبتی روبه‌رو شد. برخی منتقدان داخلی آن را از تجربه‌های هیجان‌انگیز سال‌های اخیر سینمای ایران دانستند و در رسانه‌های خارجی نیز نگاه نوگرایانه و ابتکار‌رایی فیلم مورد توجه قرار گرفت. این استقبال، اگرچه به معنای موفقیت تجاری گسترده نبود، اما سرمایه‌نمادینی برای معتمدی ایجاد کرد که مسیر فیلم دوم او را هموارتر ساخت.

حضور پر حاشیه در فجر

«چرا گریه نمی‌کنی» با تهیه‌کنندگی رضا محقق و حضور چهره‌هایی چون باران کوثری، هانیه توسلی، مانی حقیقی، لپیدا کیانی، علی مصفا و فرشته حسینی شکل گرفت و خود معتمدی نیز بار دیگر نقش اصلی را بر عهده گرفت. این فیلم توانست سیمرغ بلورین بهترین تدوین را در جشنواره فیلم فجر برای میثم مولایی به ارمغان بیاورد؛ موفقیتی که نشان می‌داد جهان سینمایی معتمدی تنها متکی بر ایده‌های ذهنی نیست و در ساحت فنی نیز قابلیت دیده‌شدن دارد. با این حال، مسیر اکران «چرا گریه نمی‌کنی» همچون حضورش در جشنواره خالی از حاشیه و دشواری نبود. هم‌زمانی نمایش فیلم با دوره‌ای پرتنش در فضای فرهنگی و هنری کشور، تحریم جشنواره از سوی برخی چهره‌ها و عدم حضور بخشی از عوامل در رویدادهای رسمی، شرایطی پیچیده را رقم زد و در اکران عمومی نیز ضعف در تبلیغات و پخش، مانع از دیده‌شدن گسترده اثر شد. با این همه، «چرا گریه نمی‌کنی» از منظر دراماتیک واجد ویژگی‌های یک سینمای نوگرا بود؛ سینمایی که می‌کوشید با بهره‌گیری از الگوهای پست‌مدرن، روایت را نه در قالب خطی و کلاسیک، بلکه منزل به منزل، ایستگاه به ایستگاه و موقعیت به موقعیت پیش ببرد و به ریشه‌های قصه‌گویی ایرانی نیز بی‌اعتنا نباشد.

ایجاد موقعیت‌های ملتهب از روایت‌های روزمره

یکی از مؤلفه‌های مهم در سینمای علیرضا معتمدی، توانایی او در ساختن بحران و التهاب از دل موقعیت‌های ساده و روزمره است. او به‌جای اتکا به خدادادهای بزرگ و دراماتیک، از جزئیات معمول زندگی، موقعیت‌هایی می‌سازد که به تدریج بار عاطفی و معنایی پیدا می‌کنند و گاه به مرزهای کمدی ابزورد نزدیک می‌شوند. این شیوه سبب می‌شود لحظه‌ها در فیلم‌هایش تثبیت شوند و مخاطب به جای تعقیب صرف داستان، در وضعیت‌ها و حال‌وهوای صحنه‌ها مکتب کند. در هر دو فیلم «رضا» و «چرا گریه نمی‌کنی» خبری از قهرمان‌سازی به معنای متعارف نیست؛ شخصیت‌ها انسان‌های معمولی‌اند که در دل روزمرگی با چالش‌های شخصی و فردی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. جهان آنان نه میدان نبردهای حماسی، بلکه عرصه‌ای برای کشف لایه‌های پنهان روان و روابط انسانی است. معتمدی این جهان را با نگاهی ریزبینانه، موجز و در عین حال شاعرانه روایت می‌کند و لحظه‌هایی را برجسته می‌سازد که در زندگی عادی اغلب نادیده گرفته می‌شوند.

حضور «دختر پری خانم» در شرایط بحرانی

سومین فیلم او با عنوان «دختر پری خانم» نیز در شرایطی نه‌چندان آرام برای سینما به مرحله نمایش رسید؛ شرایطی که همچون تجربه‌های پیشین، با تنش‌های اجتماعی و فرهنگی و پیش‌بینی ناپذیری‌های معمول همراه است. در این پروژه، معتمدی بار دیگر نقش‌های متعددی را بر عهده گرفت و علاوه بر کارگردانی و نویسندگی، در مقام تهیه‌کننده نیز حضور یافت؛ امری که نشان می‌دهد او به تدریج به سمت کنترل هرچه بیشتر جهان اثرش حرکت کرده است. بازی‌ها نیاستی در نقش اصلی، حضور چهره‌هایی چون مرضیه برومند پس از سال‌ها دوری از سینما و ایفای نقش توسط خود معتمدی، نوید آثری می‌دهد که احتمالاً همچنان در امتداد

همان امضای شخصی و گرایش‌های نیمه‌فانتزی و پست‌مدرن او شکل گرفته است. هرچند جزئیات داستانی فیلم به‌طور کامل منتشر نشده، اما انتظار می‌رود همان فاصله‌گذاری آگاهانه از واقعیت‌های عریان و تلاش برای واداشتن مخاطب به مشارکت ذهنی، از عناصر محوری آن باشد.

مسیری که از بازیگری شروع و با تهیه‌کنندگی کامل شد

مسیر حرفه‌ای معتمدی را می‌توان حرکتی تدریجی از بازیگری به نویسندگی، سپس کارگردانی و در نهایت تهیه‌کنندگی دانست؛ مسیری که بیش از آنکه جهشی ناگهانی باشد، فرآیندی انباشتی و تجربه‌محور است. او در هر مرحله کوشیده سهم بیشتری از فرآیند خلق اثر را در اختیار بگیرد تا بتواند جهان ذهنی و شخصی‌اش را بی‌واسطه‌تر بر پرده بیاورد. این میل به کنترل خلاقه، از ویژگی‌های بارز کارگردانان مؤلف است؛ فیلمسازانی که اثرشان بیش از آنکه محصول یک سیستم تولید صنعتی باشد، بازتاب جهان‌بینی و دغدغه‌های فردی‌شان است. در جمع‌بندی می‌توان گفت سینمای علیرضا معتمدی سینمایی است میان مخاطب خاص و عام؛ سینمایی که از یک‌سو به دلیل ساختارهای روایی متفاوت و گرایش‌های پست‌مدرن، برای تماشاگر حرفه‌ای و جست‌وجوگر جذاب است و از سوی دیگر، به‌واسطه پیوند مستمر با زندگی روزمره، لحظه‌های کمیک موقعیت و آشنایی‌زدایی از تابوهای اجتماعی، می‌تواند با مخاطب عمومی نیز ارتباط برقرار کند. او تلاش می‌کند در دل موقعیت‌های ساده، لایه‌های عمیق‌تری از معنای آشکار کند و هم‌زمان از سنگینی بیش از حد فضا بکاهد؛ گاه می‌خنداند، گاه به تعجب وامی‌دارد و گاه مخاطب را به تأمل درباره بدیهی‌ترین عناصر زندگی فرامی‌خواند. چنین رویکردی، در چشم‌انداز کلی، نویدبخش سینمایی پیشرو و صاحب امضاست؛ سینمایی که فارغ از هیجانانگیز مقطعی و شکاف‌های بیرونی، می‌کوشد در طول زمان هویت مستقل خود را ثبت کند و جایگاهی متمایز در نقشه سینمای معاصر ایران به دست آورد.



zam zam Calorie zero

بدون آسپارتام

No Aspartame

نوشابه گاز دار با طعم برتقال